



ایران در دوران معاصر

حسرت شهریار

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی

انتشار: ۱۵ آبان ۱۳۹۳ ۳۰ دقیقه مطالعه



چکیده مقاله

شهریار شهریار و تهران شهریار همچنین در قطعه‌ای به نام «تهران و یاران» با یاد کرد دوران حضورش در پایتخت ایران چنین می‌گوید: من نه آتم که فراموش کنم که تهران را شب تهران و شعاع و شفق شمران را پور کردستان که جوانانه به جنگش خیزند هرگز ایران نفروشد طمع توران را حسرت شهریار بخش مهمی از اشعار میهنی و به اصطلاح «ایرانیات شهریار» مربوط به آن شعرهایی است که در ردیف «ادبیات حسرت» می‌گنجد. شهریار هر کجا از قفقاز و سرزمین‌های ایرانی آن سوی ارس که بر اثر بی‌لیاقتی شاهان ناتوان و در پی انعقاد عهدنامه‌های سیاه



شهریار

شهریار و تهران

شهریار همچنین در قطعه‌ای به نام «تهران و یاران» با یاد کرد دوران حضورش در پایتخت ایران چنین می‌گوید:

من نه آنم که فراموش کنم که تهران را
شب تهران و شعاع و شفق شمران را
پور کردستان که جوانانه به جنگش خیزند
هرگز ایران نفروشد طمع توران را

حسرت شهریار

بخش مهمی از اشعار میهنی و به اصطلاح «ایرانیات شهریار» مربوط به آن شعرهایی است که در ردیف «ادبیات حسرت» می‌گنجد. شهریار هر کجا از قفقاز و سرزمین‌های ایرانی آن سوی ارس که بر اثر بی‌لیاقتی شاهان ناتوان و در پی انعقاد عهدنامه‌های سیاه گلستان و ترکمانچای به اشغال روسیه درآمد، سخن به میان می‌آید، بی‌اختیار عنان اختیار از دست می‌دهد و زبان اشک و دریا گویی به تکلم وا می‌دارد.

اوج «قفقازیه»‌های شهریار در اشعار ترکی آذری اوست، منتها در شعرهای فارسی نیز بویژه در مثنوی «افسانه شب» بخش «شبیخون»، شاعر با تصویر آفرینی فوق‌العاده قوی، هجوم لشکر روس و دفاع مردم قفقاز را از خاک ایران به نمایش می‌گذارد، به گونه‌ای که آدمی خیال می‌کند شهریار درست در شب حمله روس به ایران در صحنه حاضر

بوده، و آن نبردها را به چشم دیده است.

شهریار با اشاره مستقیم به حملات روس که طی آن ایرانیان ساکن قفقاز، با سلاح سنگ و چوب و بیل و کلنگ در مقابل سپاه تا بن دندان مسلح روس دفاع می‌کنند؛ تنها مورخی است که از نقش قهرمانانه زنان قفقازی (ایرانی) در مبارزه با کشور متخاصم روس سخن می‌گوید. در کتابهای تاریخی در بیان دفاع زنان ایران در مقابل لشکر تزار سطرید دیده است، جز مثنوی شبیخون شهریار:

دیده آن سیل شبیخون سپاه
چون بلایی که ببارد ناگاه

حسرت شهریار

شهریار قفقاز را به عنوان تکه ای از ایران زمین به شیری خوابیده و روس به گرگی درنده شبیه می‌شود که بر اثر سهل‌انگاری و خواب بی‌موقع چوپان بی‌عرضه (شاهان قاجار)، شیر، اسیر گرگ می‌شود و قفقاز این چنین از خاک ایران جدا می‌گردد:

گله گرگ به مکر و تزور
شیر خوابیده کند غافلگیر ...
گویی آنها که فرا می‌رفتند
گاه برگشته چنین می‌گفتند:
الوداع ای افق روشن و باز
شهره گهواره گیتی قفقاز...
ای که تا بازپسین تیر و تفنگ
بود با دشمن ایران جنگ
تا دلیران تو در خون نتپید
پای دشمن به دیارت نرسید
چونی ای کشور آزاده اسیر
چونی ای شیر ژیان در زنجیر!

آران، آذربادگان و شهریار

شهریار همچنین در قطعه «شیون شهریور» از زبان خورشید عالم افروز که رخ بر خاک آذر آبادگان - خاستگاه زرتشت - سائیده است، از مام میهن این گونه دلجویی می‌کند:

ای وطن آمده بودم به سلام نوروز

مگرم کوکب اقبال تو تابد پیروز
آدم در پی آن کوکب آفاق افروز
لیک از این غمکده رفتم همه درد و همه سوز
دگر ای مادر غمدیده بخون زیور کن
جشن نوروز بهل، شیون شهریور کن
(دیوان - ج ۱ - ص ۵۸۰)

در این قطعه شعر، در تبیین منظور شهریار از ماجرای «شهریور» هم می‌توان به مسئله اشغال ایران توسط متفقین و هم مسئله «اعلام موجودیت فرقه دمکرات آذربایجان» که هر دو حرکت اشغالگرایانه در شهریور ماه اتفاق افتاده است، اشاره کرد.

او در قطعه دیگری نیز که با عنوان «مهمان شهریور» سروده، به بیرون رفتن قوای اشغالگر شوروی از خاک ایران در سال ۱۳۲۵ اشاره می‌کند و از خروج «مهمان ناخوانده» شادمانی می‌نماید:

خوان به یغما برده آن ناخوانده مهمان می رود
آن نمک شناس بشکسته نمکدان می رود

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «حسرت شهریار»، پارسیان دژ، ۱۳۹۳.

خواندن مقاله و پیوست‌های آن در وب‌سایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<https://www.parsiandej.ir/articles/1572/pdf/حسرت-شهریار.pdf>

آخرین ویرایش مقاله: ۱۲ مرداد ۱۴۰۵